

## مقدمه مترجمان (جلد پنجم)

«نظریه سازمان» زیاترین حوزه نظریه پردازی و اندیشه‌ورزی تئوریک در قلمرو «مطالعات سازمان و مدیریت» است که حتی گاه برخلاف کلیت گرایش «مصرف‌کننده» رشته، در جهت «تولید و ارائه» نظریه فعالیت کرده است. کتاب حاضر که ترجمه *The Oxford Handbook of Organization Theory* است در واقع تجلی این زایایی و پویندگی بوده و خود سنگ بنایی در جهت بارورتر ساختن این حوزه است. شاید گزاف نباشد اگر گفت که سوکاس و نودسن (ویراستاران کتاب) یکی از بهترین آثارشان را در این حوزه در این کتاب محقق ساخته‌اند و گلچینی از بهترین‌های رشته را در این کتاب با ساختاری منسجم گرد هم آورده‌اند، البته این را باید خواننده خود در خلال مطالعه کتاب بیابد.

مترجمان کتاب سال‌هاست مترصد ترجمه کتاب بوده‌اند و فصل‌هایی از آن را نیز در طول چند سالی که از انتشار کتاب می‌گذرد ترجمه کرده‌اند؛ اما به هر تقدیر تا این زمان فرصت ترجمه آن فراهم نیامد و ترجمه دیگری از کتاب نیز منتشر نشد که این کتاب ارزشمند را در فضای دانشگاهی کشور آنچنان که باید جا بیندازد. ناگفته نماند که مترجمان نیز همسو با بسیاری از منتقدان که در دوگانگی «ترجمه-تألیف» نظر به روی تألیف دارند، معتقدند که ترجمه صرف ارزشی ندارد و هکذا تألیفی که اگر نگوییم تخریب کارهای اصیل، گردآوری آن‌هاست. بلی، «باید نوشت» و صد البته «باید نیز ترجمه کرد» تا از افکار دیگران نیز بهره‌مند شد. عده‌ای ترجمه زبان رایجی چون انگلیسی، به‌خصوص در مورد کتب غیرمتکلف، را بی‌ثمر می‌دانند اما رویه دانشگاهی رشته نشان می‌دهد که متأسفانه تا کتابی ترجمه نشود، فراگیر و جریان‌ساز نمی‌شود که این کاملاً در مورد ترجمه کتاب *نظریه سازمان* مری جو هیچ مشهود است. شاهد دیگر این امر شمار اندک کتب فرانظری-فلسفی فارسی «تألیف شده» در حوزه مطالعات سازمان و مدیریت است.

ترجمه، فهم عمومی از رشته و ضریب اثرگذاری آن را افزایش می‌دهد و وقتی در زمینه نظریه سازمان که اعم از همه گرایش‌های حوزه مطالعاتی سازمان و مدیریت است، تألیف درخور و شایسته‌ای صورت نمی‌گیرد، ترجمه «مکروه» نیز «مستحب» و گاه حتی «واجب» می‌شود.

با این تفصیل، ترجمه این کتاب ارزشمند تا حدی که توانسته باشد امانت‌دار این ارجمندی باشد، نه با هدف معرفی یک یا چند تکنیک جدید برای مثال در زمینه استراتژی‌سازی یا تعالی سازمانی یا دیگر حوزه‌های مشابه پر زرق و برق حوزه مطالعاتی سازمان و مدیریت، بلکه با نیت هیزم‌افکنی در کوره متأسفانه نه‌چندان گرم «نظریه سازمان» کشور است. البته نباید فراموش کنیم که وقتی سوکاس (ویراستار اول کتاب) در مقدمه کتاب متأخرش (فلسفه و نظریه سازمان) از کمبود متفکران سازمانی دارای ذهنیت فلسفی سخن می‌گوید، باید دانست که گویا سردی این گلخن تا حدودی نیز «رشته‌ای» هست و نه صرفاً «جغرافیایی» و در چنین شرایطی که تکنیک‌سازی و تکنیک‌دانی لقمه گلوگیر رشته شده [به خصوص در کشور ما] و آن را فربه و کاهل ساخته است، مگر نای‌بری‌های نظریه‌پردازانه و بازاندیشانه این چنین جانی دوباره به رشته بخشند [البته اگر آن‌ها نیز به دام «ایسم‌دانی» نیفتند].

بدین روی باید قدر این بارقه‌های ولو کوچک را دانست و به هرگونه می‌توان، تألیف یا ترجمه، بر فروزانی‌شان همت گماشت ورنه اقبال عمومی فعلی از رشته (یکی از بیشترین تعداد شرکت‌کنندگان در آزمون‌های ورودی کارشناسی ارشد و دکتری را داریم) که پتانسیل اعتلا و عمومیت‌بخشی اندیشه‌های سازمان و مدیریت را دارد، به ابتذال آن می‌انجامد.

کتاب و مقدمه ویراستارانش آن قدر خود گویا و شیوا هست که مجال برای اطاله کلام از سوی مترجمان نگذارد. فهم و نقد اندیشه‌های مؤلفان کتاب مقدم بر مطالعه نسخه فارسی یا انگلیسی آن است و نقد و اصلاح ترجمه آن نیز موجبات مزید امتنان مترجمان را فراهم خواهد آورد.

سیدحسین کاظمی - حسن دانائی‌فرد

زمستان ۱۳۹۸